

نحوه هماهنگی و عملیاتی کردن ماده (۱۱۷) قانون برنامه چهارم در زمینه باشگاه‌های ورزشی و باشگاه‌داری

فهرست مطالب

۱	مقدمه
۲	سابقه باشگاه‌های ورزشی در کشور
۳	سابقه ورزش حرفه‌ای در ایران
۴	وضعیت مدیریتی امروز باشگاه‌های ورزشی
۱۱	نحوه درآمد هزینه باشگاه‌ها در حال حاضر
	سایر تکالیف قانونی ماده (۱۱۷) قانون برنامه چهارم که در صورت اعمال و اجرائی شدن بند
۱۵	«ز» ماده مذکور را تسهیل می‌نماید
۱۹	پیشنهادهای
۲۱	منابع و مأخذ



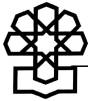
نحوه هماهنگی و عملیاتی کردن ماده (۱۱۷) قانون برنامه چهارم در زمینه باشگاه‌های ورزشی و باشگاه‌داری

مقدمه

باشگاه‌های ورزشی نقش بسیار مؤثر در عمومی کردن ورزش از یکسو و ایجاد انگیزه جذب جوانان به ورزش قهرمانی و تربیت ورزشکار در رشته‌های مختلف داشته و با برگزاری رقابت‌های ورزشی باعث شور و نشاط در جوامع می‌شوند. باشگاه‌های ورزشی تأمین‌کننده ورزشکاران نخبه برای کشورها و عامل رسیدن به افتخارات بین‌المللی ورزشی می‌شوند که نتایج آن آثار سیاسی، اقتصادی و فرهنگی مناسب را در پی دارد.

در ضمن نقش و سهم باشگاه‌ها به‌عنوان بنگاه‌های اقتصادی در ایجاد مشاغل مختلف، کاهش امور تصدی‌گری دولت، جذب سرمایه‌گذاری‌ها و مشارکت‌های مردمی و در نتیجه درآمدزایی در سطوح ملی، استانی، شهری و حتی محله‌ای در جهان بسیار مهم بوده و در کشورهای پیشرفته سهم بسزایی در درآمد ناخالص ملی دارند.

باشگاه‌های ورزشی علاوه بر استعدادیابی و آموزش مهارت‌های ورزشی و توسعه ورزش قهرمانی و عمومی، سهم عمده‌ای نیز در علمی کردن ورزش داشته و می‌توانند باعث توسعه امور آموزشی و پژوهشی در دانشگاه‌ها و مراجع تحقیقاتی شوند.



بنابراین، با در نظر داشتن اهمیت و نقش باشگاه‌های ورزشی، در برنامه پنجساله چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و به‌خصوص در ماده (۱۱۷) توجه خاصی به باشگاه‌های ورزشی شده تا در مدت زمان اجرای برنامه، امکان رشد و توسعه کمی و کیفی آن‌ها از طریق بخش خصوصی فراهم گردیده و وضعیت فعلی که بیش‌تر وابستگی به دولت می‌باشد به وضعیت مطلوب تغییر یابد.

سابقه باشگاه‌های ورزشی در کشور

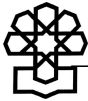
پس از پیروزی انقلاب اسلامی به‌دلیل عدم رعایت مناسب شئونات و ارزش‌های اسلامی، آیین‌نامه باشگاه‌های ورزشی که در سال ۱۳۵۲ به تصویب رسیده بود لغو گردید. در سال ۱۳۶۹ قانون ایجاد باشگاه‌ها با تغییرات عمده نسبت به آیین‌نامه قبلی به تصویب مجلس محترم شورای اسلامی رسید و آیین‌نامه آن نیز تهیه و تصویب شد. این قانون سرآغازی برای احیای فعالیت‌های باشگاه‌داری در کشور محسوب می‌شود و در پی آن صدور مجوز از سوی سازمان تربیت بدنی در سراسر کشور صورت گرفت. ولی از آن‌جا که ضوابط مشخصی از حیث دارا بودن اهداف استراتژی برای صدور مجوزها مورد نظر نبوده، بیش‌تر مجوزها در جهت ایجاد اماکن ورزشی کوچک مانند باشگاه‌های بدنسازی، ورزش‌های رزمی، استخرداری و بیلارد به وقوع پیوست و کم‌تر توجه به تشکیل باشگاه‌های بزرگ و احیای آن‌ها گردید و در نتیجه حتی بسیاری از باشگاه‌های واقعی که در قبل از انقلاب وجود داشتند تعطیل و تعداد آن‌ها به نحو محسوسی تقلیل پیدا نمود و در مقابل باشگاه‌های دولتی و به‌خصوص



در سال‌های اخیر فزونی یافت که دلیل اصلی آن هزینه کردن از اعتبارات شرکت‌های دولتی از طریق به تصویب رساندن بودجه مورد نیاز از طریق هیأت مدیره و سپس استفاده از بند «چ» تبصره «۷» قانون بودجه سال‌های ۱۳۸۲ و ۱۳۸۳ و متعاقباً بند «ب» قانون برنامه پنجساله چهارم، دایر بر مجوز هزینه یک درصد از اعتبارات دستگاه‌ها برای ورزش بوده است.

سابقه ورزش حرفه‌ای در ایران

در گذشته باشگاه‌داری در ایران به شکل کنونی وجود نداشته و به تدریج با ورود رشته‌های مختلف ورزشی، باشگاه‌ها تشکیل و شکل گرفته است. ضمن این‌که علی‌رغم تشکیل باشگاه‌ها و تنوع رشته‌های ورزشی، اصولاً ورزش به صورت حرفه‌ای در ایران صورت نمی‌گرفت ولی با رشد تدریجی ورزش فوتبال و علاقمندان زیاد آن، تدریجاً تشکل‌های نیمه حرفه‌ای این ورزش ایجاد گردید و ورزشکاران رفته رفته برای کسب درآمد، فوتبال را به صورت نیمه حرفه‌ای انتخاب نمودند که آغاز آن در دهه ۱۳۴۰ یعنی بعد از کسب قهرمانی تیم ملی فوتبال ایران در جام جهانی ملت‌های آسیا می‌باشد. با کسب این عنوان، برخی از باشگاه‌های اروپایی خواستار بعضی از بازیکنان ایرانی شدند. ولی در سال‌های ۱۳۵۰-۱۳۵۷ به دلیل کسب عناوین قهرمانی دیگر و به خصوص در آسیا و افزایش برگزاری مسابقات تیم‌های ملی فوتبال ایران و نیز تیم‌های فوتبال باشگاهی با باشگاه‌های کشورهای دیگر جهان، انگیزه حضور بازیکنان ایرانی در تیم‌های خارجی کم‌تر و تقریباً به صفر رسید. ضمن آن‌که



ارزش نرخ ریال و دلار هم برابر شده بود و از این رو نیز میل ورزشکاران فوتبال را برای کسب درآمد بیش‌تر منتفی کرد. تا آن‌که پس از احیای باشگاه‌داری در ایران و کسب مقام قهرمانی فوتبال در بازی‌های آسیایی ۱۹۹۰ پکن و حضور ایران در مسابقات جام جهانی ۱۹۹۸، بار دیگر توجه کشورهای غربی به برخی از فوتبالیست‌های ایران جلب شد و تعدادی از بازیکنان با آنان قرارداد منعقد نمودند که این امر باعث ترغیب بازیکنان دیگر فوتبال و درآمدزایی از آن طریق گردید که با برگزاری لیگ‌های حرفه‌ای نه تنها در رشته فوتبال، بلکه در برخی از رشته‌های دیگر مانند والیبال، بسکتبال، کشتی، هندبال و نیز تعدادی از رشته‌های رزمی همگانی شده و در حال سرایت به سایر رشته‌ها نیز می‌باشد که در واقع رونق فوتبال حرفه‌ای الگوی سایر رشته‌ها شده است. در صورتی‌که از خطاهای آشکار شده باشگاه‌داری صرف‌نظر گردد، این حرکت خود رشد ورزش را نیز به همراه داشته، ولی در مقابل صدمات دیگری نیز به دلیل نبود شکل واقعی باشگاه‌داری ایجاد نموده که در صورت ادامه آن از طریق تأمین اعتبارات دولتی و نه خصوصی، مشکلات را بیش‌تر خواهد نمود.

وضعیت مدیریتی امروز باشگاه‌های ورزشی

الف) تعاریف باشگاه ورزشی

برای بررسی وضعیت مدیریتی باشگاه‌های ورزشی، ضروری است ابتدا تعاریف صورت گرفته از باشگاه‌ها مورد نظر قرار گیرد تا بر آن اساس وضعیت باشگاه‌های کشور به صورت علمی‌تر مشخص گردد. برای این منظور با توجه به جاری بودن



قانون تأسیس سازمان تربیت بدنی و آیین‌نامه‌های مربوط به آن و همچنین با در نظر داشتن تأکید صورت گرفته بر سند راهبردی نظام جامع تربیت بدنی و ورزش کشور در ماده (۱۱۷) قانون برنامه چهارم به این تعاریف اکتفا می‌شود:

۱. در ماده (۱) آیین‌نامه اجرائی ماده (۱۱) قانون تأسیس سازمان تربیت بدنی تعریف باشگاه‌های ورزشی چنین است:

«باشگاه‌های ورزشی، باشگاه‌هایی هستند که به موجب مقررات سازمان و آیین‌نامه قانون اجازه تأسیس باشگاه و ورزشگاه توسط مردم با نظارت دولت، پروانه فعالیت دریافت کرده‌اند».

بنابر تعریف مذکور، باشگاه‌های ورزشی می‌باید از طریق مردم یعنی بخش خصوصی ایجاد شوند و دولت صرفاً بر فعالیت‌ها نظارت داشته باشد.

۲. در سند راهبردی نظام جامع تربیت بدنی و ورزش، باشگاه‌های ورزشی به سه دسته تقسیم‌بندی شده‌اند که شامل باشگاه ورزشی قهرمانی، باشگاه ورزشی تفریحی و باشگاه ورزشی حرفه‌ای هستند. تعاریف آن‌ها نیز به شرح زیر است:

- باشگاه ورزش قهرمانی به نهادی گفته می‌شود که برای شرکت در رقابت‌های ورزشی و با مجوز سازمان ورزش تأسیس می‌شوند.

- باشگاه ورزشی تفریحی به نهادی گفته می‌شود که برای فعالیت‌های ورزشی تفریحی و با مجوز سازمان ورزش تأسیس می‌شوند.

- باشگاه ورزش حرفه‌ای به نهاد ورزشی گفته می‌شود که برای شرکت در رقابت‌های حرفه‌ای تأسیس می‌شوند و در اداره ثبت اسناد و املاک به ثبت می‌رسند. در ضمن در همین سند در جایی که ورزش باشگاهی مورد نظر قرار می‌گیرد، ذکر



شده که «باشگاه‌ها معمولاً به وسیله جمعی از افراد با علایق مشترک تأسیس می‌شوند و از نظر برنامه با هم متفاوتند و اعضای آن، نوع فعالیت‌ها را تعیین می‌کنند». بنابراین براساس این تأکید در سند یاد شده، تمامی باشگاه‌ها می‌باید از طریق بخش خصوصی ایجاد شوند و در تعاریف ذکری از ایجاد باشگاه توسط دولت نشده است.

ب) عوامل شکل‌گیری باشگاه‌های ورزشی دولتی

۱. پس از تصویب قانون تشکیل باشگاه‌ها در سال ۱۳۶۹ سازمان تربیت بدنی به صدور مجوز تأسیس باشگاه اقدام کرد و طی دوره برنامه دوم و سوم نیز تسهیلاتی برای جذب بخش خصوصی در جهت ایجاد باشگاه‌ها به تصویب رسید. ولی از آن‌جا که نحوه صدور باشگاه‌ها و نیز اجرای تسهیلات مناسب صورت نگرفت، متقاضیان پیش‌تر به ایجاد مکان‌های ورزشی سود ده از قبیل بدنسازی، استخررداری، ورزش‌های رزمی، بولینگ و بلیارد روی آوردند و از آن طریق مکان‌های کوچک ورزشی فراوانی در شهرها با عنوان باشگاه از طریق بخش خصوصی ایجاد گردید.

در ضمن به دلیل ایجاد برخی از تسهیلات مانند تسهیلات بانکی، واگذاری زمین، واگذاری اماکن ورزشی دولتی به بخش خصوصی، برخی نیز با بهره‌گیری از آن در طول برنامه دوم و سوم توسعه، ورزشگاه‌های بزرگ احداث نمودند ولی تحت عنوان باشگاه ورزشی حرفه فعالیت نداشته و آنان نیز در جهت کسب درآمد و نیز بازپرداخت وام و تسهیلات دریافت شده، فعالیت می‌نمایند. در حالی‌که با توجه به تسهیلات اشاره شده در برنامه دوم و سوم توسعه و قوانین بودجه (تبصره «۶۸» قانون برنامه پنجساله دوم - ماده (۴۴) قانون وصول برخی از درآمدهای دولت - ماده



(۸۸) قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت - تبصره «۴۵» قانون بودجه سال ۱۳۷۴ و بند «چ» تبصره «۷» قوانین بودجه سال‌های ۱۳۸۲ و ۱۳۸۳ در صورت اتخاذ روش‌های مناسب، امکان ایجاد باشگاه‌های بزرگ نه تنها وجود داشته، بلکه امکان رونق باشگاه‌داری به معنای واقعی فراهم بوده است و در صورت وجود سیاست‌ها و اهداف مناسب، باشگاه‌ها قادر بودند به صورت صحیح و هدفمند فعالیت‌های حرفه‌ای را راهبری نمایند و امروزه با مشکل نبود باشگاه‌های بخش خصوص و نیز حرفه‌ای‌گری ورزشی به صورت نامناسب نباشند.

۲. با تصویب بند «چ» تبصره «۷» قوانین بودجه سال‌های ۱۳۸۲ و ۱۳۸۳ و متعاقباً بند «ب» ماده (۱۱۷) قانون برنامه چهارم توسعه، وضعیت باشگاه‌های خصوصی بدتر از گذشته گردید. زیرا با تصویب مواد قانونی مذکور، مجوزهای لازم برای نهاد و سازمان‌ها و شرکت‌های دولتی صادر گردید و توان رقابت را از بخش خصوصی سلب نمود. هر چند که هدف قانونگذار عمومی کردن ورزش و حفظ و ارتقای سلامت کارکنان بوده، ولی عملاً مجوز اختصاص اعتبارات قانونی یاد شده باعث حرفه‌ای‌گری در ورزش از طریق اعتبارات دولتی گردید که در صورت ادامه، مشکلات افزون‌تر خواهد گردید.

متن قانونی بند «چ» تبصره «۷» قانون بودجه سال‌های ۱۳۸۲ و ۱۳۸۳ چنین است: «به کلیه دستگاه‌های اجرائی مشمول ماده (۱۱) قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی جمهوری اسلامی ایران اجازه داده می‌شود یک درصد (۱٪) از اعتبارات خود را جهت انجام امور مربوط به تربیت بدنی و ورزش اعم از ایجاد و اداره باشگاه‌های ورزشی، احداث و توسعه اماکن ورزشی، ارائه خدمات



ورزشی و کمک به سازمان تربیت بدنی، کمیته ملی المپیک و فدراسیون‌های ورزشی با هماهنگی و سیاستگذاری سازمان تربیت بدنی اختصاص دهند».

در ضمن براساس قانون مذکور آیین‌نامه مربوطه به تصویب هیأت محترم وزیران رسید که در تبصره «۲» بند «پ» آن دستگاه‌ها مجاز شدند تا حداقل ۳۰ درصد از اعتبارات را به سازمان تربیت بدنی اختصاص دهند (بجز وزارتخانه‌های آموزش و پرورش، علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی). از نکات مهم و قابل توجه در قانون مزبور و آیین‌نامه آن اجازه یک درصد هزینه اعتبارات با هماهنگی و سیاستگذاری سازمان تربیت بدنی می‌باشد. ضمن این‌که به منظور هماهنگی، هدایت و نظارت بر حسن اجرای امور یک شورای هماهنگی نیز در آیین‌نامه پیش‌بینی گردیده بود که مرکب از معاون رئیس جمهور و رئیس سازمان تربیت بدنی (رئیس)، یک نفر از معاونان هر یک از وزارتخانه‌های آموزش و پرورش، علوم و تحقیقات و فناوری، بهداشت و درمان و آموزش پزشکی، امور اقتصادی و دارایی، کار و امور اجتماعی، صنایع و معادن، نفت، کشور، دفاع و پشتیبانی، نیروهای مسلح، نیرو، راه و ترابری، پست و تلگراف و تلفن و سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور بوده‌اند و وظایف مهمی از قبیل نظارت بر عملکرد دستگاه‌ها، اولویت‌بندی برنامه و فعالیت‌ها، توزیع اعتبارات، بررسی و تصویب برنامه‌های اختصاصی دستگاه‌ها، نحوه هزینه کردن اعتبارات به‌عهد آن شورا قرار داشته است. این شورا اکنون نیز وجود دارد و به همان نحو عمل می‌نماید.

بنابراین ملاحظه می‌شود که مطابق قانون بخش عمده‌ای از اعتبارات دولت، از سال ۱۳۸۲ متوجه ورزش در سازمان‌های دولتی گردید که منشأ پیدایش ورزش



حرفه‌ای شده و به دلیل عدم کامل انجام وظایف مندرج در قانون و آیین‌نامه به نحو مطلوب و همچنین برنامه‌ریزی لازم، منجر به تشکیل و رشد بی‌رویه تیم‌داری و باشگاه‌داری گردیده است.

پس از اتمام برنامه سوم، عین بند «ج» تبصره «۷» قوانین بودجه فوق‌الذکر، تحت عنوان بند «ب» ماده (۱۱۷) قانون برنامه چهارم به تصویب رسید و تنها اختلاف آن عدم الزام به تهیه و تصویب آیین‌نامه توسط هیأت محترم وزیران می‌باشد. هر چند که آیین‌نامه قبلی نیز برای این به منظور تهیه و به تصویب رسانده شده است که مفاد آن مشابه آیین‌نامه قبلی می‌باشد.

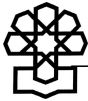
عین بند «ب» ماده (۱۱۷) قانون برنامه پنجساله چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران به شرح زیر است:

«کلیه دستگاه‌های موضوع ماده (۱۶۰) این قانون مجازند در طول برنامه چهارم یک درصد (۱٪) از اعتبارات خود را برای انجام امور تربیت بدنی و ورزش اعم از احداث و توسعه اماکن ورزشی، ارائه خدمات ورزشی و کمک به سازمان تربیت بدنی، کمیته ملی المپیک، باشگاه‌های ورزشی و فدراسیون‌های ورزشی در چارچوب سیاستگذاری با هماهنگی سازمان تربیت بدنی اختصاص دهند».

در ضمن در ذیل این ماده قانونی ذکر شده است:

«اماکن ورزشی خصوصی که از محل منابع این بند کمک دریافت نموده‌اند، در صورت تغییر در کاربری مکلفند وجوه دریافتی را با محاسبه نرخ تورم سنواتی مسترد نمایند».

مضافاً آن‌که این قانون دستگاه‌های مذکور در این بند را مکلف نموده تا گزارش



کامل از کمک‌های انجام یافته و از محل این بند را همه ساله به سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور و کمیسیون‌های برنامه و بودجه و محاسبات و فرهنگی مجلس محترم شورای اسلامی ارائه نمایند.

بنابراین ملاحظه می‌شود که بند «ب» ماده (۱۱۷) ادامه بند «ج» تبصره «۷» همان قوانین بودجه اشاره شده می‌باشد. لذا با توجه به قوانین گذشته و جاری یاد شده، ادامه باشگاه‌داری توسط دولت برای مدت اجرای برنامه پنجساله چهارم تثبیت گردیده و لذا دستگاه‌هایی که دارای شرکت‌های صنعتی و کارخانجات تولیدی هستند، به دلیل وجود اعتبارات کلان و نیز سیستم تشکیلاتی خاص خود از قبیل مجمع عمومی، هیأت مدیره، مدیر عامل، خزانه‌دار و بازرس با اختیارات بیش‌تر، از موضوع بهره‌برداری نموده و به همین علت اکثر باشگاه‌های مطرح و نیز تیم‌های مهم ورزشی در اختیار این شرکت‌ها یا نهادهایی که آنان نیز اختیارات خاص و اعتبارات کلان دارند، می‌باشند و چون سرمایه‌گذاری خصوصی نبوده و دولتی می‌باشد، همانند بسیاری از اموری که توسط دولت انجام می‌شود، پرهزینه‌تر بوده و نه تنها دلسوزی لازم وجود ندارد، به علت آن‌که در صورت زیان نیز منافع گردانندگان و سرمایه آنان به مخاطره نمی‌افتد، مسئولیت رقابتی نیز آنچنان که در بخش خصوصی مهم می‌باشد، اهمیت ندارد.



نحوه درآمد هزینه باشگاه‌ها در حال حاضر

الف) در کشورهای پیشرفته

اصولاً در کشورهای پیشرفته، باشگاه‌های ورزشی و باشگاه‌داری از طریق بخش خصوصی ایجاد و اداره می‌شوند و به دلیل آثار اقتصادی مهم و پرارزش ورزش، این باشگاه‌ها علاوه بر فعالیت‌های ورزشی، بخش عمده‌ای از توان خود را در جهت تبلیغات و درآمدزایی و فعالیت‌های اقتصادی صرف می‌نمایند.

امروزه ورزش در جهان به‌عنوان یک صنعت معرفی شده است و از این رو صنعت ورزش به مجموعه فعالیت‌هایی گفته می‌شود که منجر به تولید محصولات ورزشی می‌گردد و محصول ورزشی نیز به هر گونه کالا و خدمات ورزشی یا ترکیبی از این دو گفته می‌شود. لذا تولید ناخالص داخلی ورزش به مجموعه تولید کالاها و خدمات بخش ورزشی گفته می‌شود که در محدوده جغرافیایی یک کشور طی یک دوره زمانی خاص مثلاً یک سال به دست می‌آید. از این‌رو در کشورهای پیشرفته اهمیت خاصی به باشگاه و باشگاه‌داری قائل شده و با توجه به نگاه صنعتی به آن به صورت کاملاً حرفه‌ای عمل می‌نمایند و دولت‌ها در زمینه‌های بنیادی از قبیل ایجاد تسهیلات مانند زمین، مجوز، وام و غیره همانند بخش کشاورزی و صنایع عمل نموده و سپس این باشگاه‌ها با فعالیت‌های مختلف اقتصادی مانند تربیت ورزشکار و فروش آن، برگزاری مسابقات حرفه‌ای از طریق لیگ‌های ورزشی در رشته‌های مختلف، فروش پخش تلویزیونی و وسایل الکترونیکی، تبلیغات در سطوح مختلف رسانه‌ای و غیررسانه‌ای، تجارت‌های مجاز ورزشی، شرط‌بندی، ارائه خدمات حرفه‌ای مانند



مربیان و مراکز آمادگی جسمانی به صورت خودگردان عمل نموده و مورد نظارت دولت‌ها واقع می‌شوند.

از طرفی بسیاری از صنایع ورزشی مانند لوازم و تجهیزات، البسه، رسانه‌های تصویری و نوشتاری، جذب گردشگری رونق گرفته و باعث افزایش تولید ناخالص کشورهای می‌شوند و ضمن جلوگیری از خروج ارز، از طریق صادرات، سهم عمده‌ای در اقتصاد را از طریق ورزش به دست می‌آورند.

بنابراین حمایت‌های بنیادی دولت‌ها در تشکیل باشگاه‌ها و کسب درآمدهای کلان از طریق ورزش توسط مدیران باشگاه‌ها، رونق باشگاه‌داری را در کشورهای پیشرفته به همراه داشته و چون مانند بنگاه‌های اقتصادی عمل می‌نمایند، رقابت‌ها بیش‌تر شده و در نتیجه فعالیت‌های ورزشی و پیشرفت‌های علمی ورزشی نیز ارتقا می‌یابد که حاصل آن در تیم‌های ملی و در رشته‌های مختلف خودنمایی کرده و قهرمانی را نیز به همراه دارد.

ب) در ایران

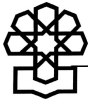
درآمد باشگاه‌های ورزشی در ایران بستگی به نوع فعالیت باشگاه‌ها دارد. همان‌طور که ذکر گردید، در ایران برخی از باشگاه‌ها به صورت مکان ورزشی کوچک اداره می‌شوند که معمولاً تک‌رشته‌ای بوده و بیش‌تر جنبه کسب و کار دارند. البته در برخی از رشته‌ها مانند بدنسازی، تکواندو، کاراته در قهرمان‌پروری آثار مطلوب داشته ولی در برخی از رشته‌ها مانند بولینگ و بلیارد بیش‌تر جنبه تفریحی و سرگرمی دارند. تعدادی از باشگاه‌ها با استفاده از تسهیلات دولتی مانند تسهیلات تبصره «۳»



قوانین بودجه سابق یا کمک‌های دیگر دولتی مانند واگذاری زمین یا کمک‌های طرح عمرانی شماره ۳۰۵۰۱۲۴۹ با عنوان «کمک به ساخت و تکمیل و تجهیز اماکن خصوصی» سابق سازمان تربیت بدنی که به شماره ۳۰۵۰۸۰۳۳ با عنوان «کمک‌های فنی و اعتباری به بخش غیردولتی» در قانون بودجه سال ۱۳۸۵ تغییر نام و شماره داده شده است ایجاد گردیده‌اند. این باشگاه‌ها نیز در رشته‌های محدود مانند شنا و بدنسازی و رشته‌های ورزشی رزمی که امکان ایجاد درآمد را دارند بیش‌تر فعال هستند و توسط بخش خصوصی ایجاد شده‌اند. در واقع این نوع باشگاه‌ها نیز محلی برای کسب و کار صاحبان محسوب می‌شوند و ماهیت اصلی باشگاه‌داری شامل آن‌ها نشده و کم‌تر در فعالیتهای ورزش حرفه‌ای می‌باشند.

تعدادی از باشگاه‌ها از قبل از انقلاب وجود داشته و هم اکنون در چند رشته ورزشی فعالیت دارند. ولی این باشگاه‌ها نیز به دلیل هزینه‌های سنگین تیم‌داری و خرید بازیکن در اکثر رشته‌ها حضور حرفه‌ای نداشته و در وضعیت مناسبی از این حیث نمی‌باشند. درآمد و هزینه این نوع باشگاه‌ها که تعداد آن‌ها محدود است، از محل آموزش، فروش بلیت استخر، حق عضویت، آموزش‌های ورزشی و از این قبیل صورت می‌گیرد.

نوع دیگر باشگاه‌های ورزشی، باشگاه‌هایی است که اعتبارات آن‌ها از محل اعتبارات دولتی تأمین می‌شود و عمدتاً مرتبط با دستگاه‌های اجرائی مانند دستگاه‌های نظامی و انتظامی و شرکت‌های دولتی هستند. سرمایه‌های این باشگاه‌ها نیز از محل اعتبارات دولتی تأمین شده و اماکن ورزشی آن‌ها متعلق به خود این شرکت‌هاست. ضمن این‌که درآمدهایی که به دست می‌آورند را صرف هزینه‌های خود نموده و



وجهی از آن به خزانه واریز نمی‌گردد و در واقع صرفاً نوع مدیریت آن‌ها، مدیریت هزینه و کاملاً دولتی است.

این نوع باشگاه‌ها درآمدهای مختلفی دارند که شامل: دریافت کمک مستقیم از سازمان تربیت بدنی مانند (باشگاه‌های پیروزی و استقلال)، بهره‌مندی از تسهیلات ماده (۱۱۷) قانون برنامه پنج‌ساله چهارم، کمک‌های نقدی از طریق حمایت‌کننده‌های اقتصادی (اسپانسرها)، تبلیغات، فروش بازیکن به سایر باشگاه‌های ایرانی و خارجی، دریافت حق عضویت می‌باشد. نکته مهم در مورد این باشگاه‌ها این‌که معمولاً خود به تربیت بازیکن نمی‌پردازند و معمولاً حاصل سایر باشگاه‌های کوچک را مورد بهره‌برداری قرار می‌دهند که همین سرآغاز ورزش حرفه‌ای به صورت ناقص و دولتی شده است. در مورد این باشگاه‌ها آنچه قابل توجه و اهمیت است، عدم رعایت اصول باشگاه‌داری از طریق بخش خصوصی که متداول در جهان است می‌باشد. ضمن این که به علت داشتن پول هنگفت قانونی، رقابت را از باشگاه‌های واقعی خصوصی سلب نموده‌اند. نکته دیگر آن‌که اکثراً در رشته‌هایی فعالیت دارند که امکان کسب درآمد بیش‌تر و مطرح شدن فراهم باشد. لذا مشاهده می‌شود در رشته‌های مطرح که در رأس آن فوتبال می‌باشد، لیگ‌های سراسری و دسته اول تیم‌ها با حضور این نوع باشگاه‌ها صورت می‌گیرد. در واقع این باشگاه‌ها همانند باشگاه‌های مطرح جهان عمل می‌کنند، ولی با اعتبارات دولتی و بدون تلاش جهت کسب درآمد در زمینه خودکفایی. باشگاه‌های اخیرالذکر با داشتن هیأت مدیره و اعضای آن مانند مدیر عامل، خزانه‌دار و بازرس، اختیارات درون باشگاهی دارند و عملکرد و ارزیابی مالی آن‌ها صرفاً از طریق شرکت یا سازمان مربوطه صورت می‌گیرد و نهادهای دولتی دیگر بر آن



نظارت مالی ندارند. مدیران این نوع باشگاه‌ها دارای اختیارات خاصی هستند که همین امر باعث گرانی ورزش حرفه‌ای و نامتناسب بودن آن با سایر امور اقتصادی کشور گردیده و همچنین سیستم جدیدی در واسطه‌گری ورزشی ایجاد نموده که هر چند رونق جهانی مسابقات و ورزش را در سال‌های اخیر داشته است، ولی در مقابل زیان‌هایی برای ورزش کشور نیز از حیث فساد ورزشی، دلسردی ورزشکاران سایر رشته‌ها و نیز رانتخواری داشته است که نیاز به بررسی کلی و برطرف نمودن دارد.

سایر تکالیف قانونی ماده (۱۱۷) قانون برنامه چهارم که در صورت اعمال و اجرائی شدن بند «ز» ماده مذکور را تسهیل می‌نماید

در بند «ز» ماده (۱۱۷) قانون برنامه چهارم، پیش‌بینی و تکالیف قانونی لازم به شرح زیر صورت گرفته است:

«تشکل‌ها و بخش‌های خصوصی و تعاونی و باشگاه‌های حرفه‌ای در توسعه ورزش قهرمانی و حرفه‌ای از طریق اصلاح ساختار تربیت بدنی و ورزش کشور و اعمال پشتیبانی و حمایت لازم در زمینه‌های اداری، مالی و منابع انسانی تقویت می‌شود، به گونه‌ای که تا پایان برنامه اهداف ذیل حاصل گردد:

۱. سهم بخش غیردولتی و باشگاه‌های خصوصی در توسعه ورزش قهرمانی حداقل به پنجاه درصد (۵۰٪) افزایش یابد.

۲. صد درصد (۱۰۰٪) فعالیت‌های اجرائی و تأمین منابع ورزش حرفه‌ای، با عاملیت بخش‌های خصوصی و تعاونی صورت گرفته و حمایت‌های دولتی به پشتیبانی قانونی



و اداری و تسهیلاتی و کمک‌های اعتباری موردی محدود گردد».

به طوری که ملاحظه می‌شود قانون تقویت تشکل‌ها و بخش‌های خصوصی و تعاونی و باشگاه‌ها را منوط به مواردی نموده است که از آن طریق این تقویت صورت گیرد که اصلاح ساختار تربیت بدنی و ورزش و اعمال پشتیبانی و حمایت در زمینه‌های اداری و مالی از آن جمله است. در ضمن در آن صورت اهداف را نیز تعیین نموده که به شرح بند «۱» و «۲» در ذیل بند «ز» ماده (۱۱۷) مشخص شده است. بنابراین ابتدا باید تقویت‌های تأکید شده مورد بررسی قرار گیرد. در این زمینه موارد زیر قابل توجه است:

الف) اصلاح ساختار تربیت بدنی و ورزش

در برنامه چهارم در خصوص اصلاح ساختار تربیت بدنی و ورزش در بخش تشکیلاتی سازمان تربیت بدنی که به تبع سند نظام راهبردی نظام جامع تربیت بدنی و ورزش صورت گرفته، کار چندانی انجام نشده است. در بخش تشکیلات نیز صرفاً در عناوین معاونت‌ها و نیز زیرمجموعه آن‌ها تغییرات اندکی انجام شده، ولی در واقع فعالیت‌ها ادامه همان فعالیت‌های معاونت‌ها و زیرمجموعه‌های قبلی است. به تبع سند مذکور، شوراهایی از قبیل شورای ورزش قهرمانی و ورزش همگانی و شورای ورزش‌های پرورشی نیز صورت گرفته است که آن نیز فعالیت چندانی نداشته و تصمیماتی که منجر به اجرائی شدن بند «ز» ماده (۱۱۷) قانون برنامه گردد، اتخاذ نشده است.

ساختار فدراسیون‌ها و هیأت‌ها و نیز ادارات کل تربیت بدنی استان‌ها نیز همانند

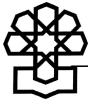


سابق می‌باشد و علی‌رغم تشکیل مرکز ورزش قهرمانی به جای معاونت فنی و امور فدراسیون‌ها، وضعیت ادارات کل تربیت بدنی بر آن اساس تغییر ننموده است.

شرکت توسعه و نگهداری اماکن ورزشی که در جهت انجام فعالیت‌های تولیدی، تجاری و بازرگانی برای حمایت از ورزش ایجاد گردیده با اضافه نمودن کلمه «توسعه» به آن به یک مجری طرح‌های عمرانی و نیز نگهداری از اماکن بزرگ ورزشی سازمان تربیت بدنی تبدیل شده است و این شرکت نیز نه تنها در جهت تقویت باشگاه‌های ورزشی و بخش خصوصی و حتی فدراسیون‌ها و هیأت‌گامی بر نداشته است، بلکه خود تبدیل به یک دستگاه اجرائی گردیده و درآمدها را صرف امور مرتبط با تعمیر و مرمت و ساخت اماکن ورزشی مرتبط به خود می‌نماید و از این‌رو بخشی از اعتبارات فدراسیون‌ها و هیأت‌ها نیز به آن تعلق می‌گیرد تا امکان استفاده از اماکن ورزشی را داشته باشند. متأسفانه این نوع حرکت به ادارات کل استان‌ها نیز سرایت نموده است و آن‌ها نیز در قبال بهره‌گیری از اماکن سازمان تربیت بدنی می‌باید هزینه‌ها را پرداخت کنند. در حالی که اماکن ورزشی و تصویب طرح‌های عمرانی ورزشی نوعی یارانه تلقی می‌شود که در جهت عمومی کردن ورزش از سوی دولت و مجلس در قوانین بودجه به تصویب می‌رسد.

ب) اعمال پشتیبانی و حمایت در زمینه‌های اداری، مالی و منابع انسانی

برای اجرائی شدن ماده (۱۱۷) قانون برنامه چهارم، قانونگذار ضمن تعیین تکالیف و از جمله تقویت تشکلهای و باشگاه‌های ورزشی تسهیلاتی را نیز پیش‌بینی نموده و تکلیف نموده است که در صورت اجرائی شدن آن‌ها امکان تکالیف در بند «۱» و «۲»



بند «ز» ماده (۱۱۷) مقدور می‌شود. این تکالیف در بند «ب» درخصوص کمک از اعتبارات این بند به باشگاه‌های ورزشی، بند «ج» درخصوص موظف نمودن وزارت جهاد کشاورزی برای واگذاری زمین به قیمت ارزش معاملاتی به بخش خصوصی و نیز بند «د» در زمینه مکلف نمودن وزارت مسکن و شهرسازی به خرید اراضی با کاربری ورزشی و در اختیار قرار دادن آن به‌صورت رایگان به سازمان تربیت بدنی و شرکت توسعه و نگهداری اماکن ورزشی و نیز به قیمت تمام شده برای بخش خصوصی و تعاونی، به تصویب رسیده است.

بنابراین در صورتی بخش خصوصی قادر به فعالیت در عرصه باشگاه‌داری به معنای اصلی آن می‌باشد که قوانین مذکور عملیاتی گردد ولی متأسفانه عملکرد این موارد قانونی اعلام نشده و عملاً بسیار ضعیف می‌باشد که قابل بررسی در ارتباط با دستگاه‌های مسئول است.

همچنین در زمینه کمک‌های مالی و اداری برای شکل‌گیری یا حفظ و احیای باشگاه‌های ورزشی، در طول اجرای برنامه چهارم، تصمیماتی که منجر به جذب بخش خصوصی برای این منظور گردد، اتخاذ نشده یا اجرا نگردیده است. در این زمینه آیین‌نامه مرتبط با بند «ب» ماده (۱۱۷) نیز به نحوی تنظیم نشده و راهبردی نمی‌باشد که امکان تقویت باشگاه‌های اصلی غیردولتی فراهم گردد و بیش‌تر در زمینه تشکیل باشگاه دولتی امکانات در اختیار قرار می‌گیرد. در حالی که با توجه به مفاد این قانون، در صورت تعیین استراتژی و اهداف خاص برای این ماده قانونی می‌توان بخش عمده‌ای از اعتبارات را در جهت تشکلهای و تعاونی‌ها و نیز باشگاه‌های خصوصی هدایت نمود. مضافاً این‌که با دقت بیشتر به مفاد بند «ب» ماده (۱۱۷)



مذکور، به نظر می‌رسد که اولاً توسعه ورزش همگانی برای کارمندان دولت و کارگران مورد نظر بوده و ثانیاً سعی در ایجاد زمینه برای فعالیت بیش‌تر بخش خصوصی در امر ورزش قهرمانی و حرفه‌ای در قالب باشگاه‌داری بوده است. در حالی که به نحوی عمل گردیده که همواره تعداد باشگاه‌های دولتی رو به افزایش نهاده است.

پیشنهادها

با توجه به وجود ماده (۱۱۷) قانون برنامه چهارم و تشکیل باشگاه‌های دولتی با استفاده از اعتبارات بند «ب» و این‌که حدود ۲ سال از قانون مذکور سپری شده، در این قسمت سعی شده است پیشنهادها به نحوی که راهکار عملی برای برخی از مشکلات بیان شده باشند، ارائه گردد:

۱. از حذف بند «ب» ماده (۱۱۷) تا پایان برنامه چهارم جلوگیری گردد. ولی سازمان تربیت بدنی ملزم به بازنگری آیین‌نامه آن در جهت اجرای مفاد بند «ز» این قانون شود.

۲. در هنگام بررسی و تصویب لایحه بودجه سال ۱۳۸۶ کل کشور، تبصره‌ای منظور گردد تا برای دستگاه‌ها و شرکت‌ها و نهادهای دولتی مشمول، به تناسب اعتبارات هر یک سقف اعتبار معین تعیین گردد تا دستگاه از این طریق کنترل مالی شده و قادر به افزایش هزینه‌های مرتبط با تیم‌داری و خرید بازیکن نباشند. نیاز است جهت‌دهی این تبصره به نحوی باشد که شرکت‌های بزرگ دولتی که از امکانات اعتبار فراوان برخوردار هستند و یک درصد اعتبار آن‌ها بالا می‌باشد، بیش‌تر مورد نظر



قرار گیرند.

۳. افزایش تبصره‌ای به بند «ب» ماده (۱۱۷) برای جلوگیری از ایجاد باشگاه‌های جدید دولتی از محل اعتبارات این بند به وسیله کارخانجات، شرکت‌ها و دستگاه‌های دولتی و جهت‌دهی این اعتبارات برای ورزش‌های همگانی در دستگاه‌های مذکور.

۴. پیشنهاد می‌شود در جهت اجرائی شدن بند «ز» ماده (۱۱۷)، بندهای «ه» و «د» این ماده نیز در زمینه واگذاری زمین به بخش خصوصی از طریق وزارت مسکن و شهرسازی و وزارت جهاد کشاورزی اجرائی گردد.

۵. اصلاح قوانین موجود و نیز ارائه لایحه قانونی فراگیر برای واگذاری اماکن ورزشی سازمان تربیت بدنی و شرکت‌ها و باشگاه‌های دولتی به بخش خصوصی و تعاونی‌ها برای تقویت باشگاه‌داری واقعی با اولویت واگذاری به اعضا و ورزشکاران هر یک.

۶. تقویت و حمایت اتحادیه باشگاه‌های ورزشی از طریق سازمان تربیت بدنی به منظور بررسی و امتیازدهی برای ایجاد باشگاه‌ها و اعمال نظارت‌های صنفی مشابه با سایر کشورهای پیشرفته.

۷. پیشنهاد می‌شود با توجه به تکلیف قانونی در ماده (۱۱۷) دایر بر ایجاد تشکل‌های ورزشی از طریق تعاونی‌ها، در این زمینه وزارت تعاون مکلف به ارائه گزارش عملکرد در مقاطع ۶ ماهه به کمیسیون محترم فرهنگی گردد، تا موضوع جدی‌تر مورد توجه و نیز ارزیابی قرار گیرد.

۸. الزام سازمان تربیت بدنی به شناسایی و معرفی ورزشگاه‌هایی که بتوان به صورت چند منظوره برای تشکیل باشگاه خصوصی و حرفه‌ای مورد بهره‌برداری قرار گیرد و واگذاری این ورزشگاه‌ها برای طولانی‌مدت به تشکل‌های خصوصی و



تعاونی‌ها با هزینه‌های ارزان (در صورت عملکرد ضعیف امکان لغو باشگاه و لغو قرارداد وجود داشته باشد).

۹. اصلاح اساسنامه فدراسیون‌های ورزشی در جهت تقویت اختیارات برای هماهنگی و نظارت و ارزیابی باشگاه‌های ورزشی.

منابع و مآخذ

۱. قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی.
۲. قوانین بودجه سال‌های ۱۳۸۲ و ۱۳۸۳ و ۱۳۸۵.
۳. سند راهبردی نظام جامع تربیت بدنی و ورزش.
۴. قانون تأسیس سازمان تربیت بدنی.
۵. گزارش اقتصاد ورزش (در دست تهیه در دفتر مطالعات فرهنگی مرکز پژوهش‌های مجلس).
۶. اساسنامه شرکت توسعه و نگهداری اماکن ورزشی.
۷. اساسنامه فدراسیون‌های ورزشی.



شناسنامه گزارش

شماره مسلسل: ۷۹۷۸

عنوان گزارش: نحوه هماهنگی و عملیاتی کردن ماده (۱۱۷) قانون برنامه چهارم در زمینه باشگاه‌های ورزشی و باشگاه‌داری

Report Title: Metode of Orchestrate and Performancing Point of 117 Rull of Fourth Program in Basis of Sport Club and Clubnce

نام دفتر: مطالعات فرهنگی

تهیه و تدوین: ابوالفضل خورشیدی

همکار: یوسف افتخاری

ناظر علمی: بهمن مشکینی

متقاضی: امیررضا خادم (عضو کمیسیون فرهنگی)

ویراستار: —

واژه‌های کلیدی و معادل انگلیسی آن‌ها:

۱. هماهنگی (Orchestrate)

۲. عملیاتی (Performance)

۳. باشگاه (Club)

۴. قانون (Rull)

منابع و مأخذ تهیه گزارش:

در انتهای گزارش آمده است.